

به فرخندگی جشن اول ماه مه!

هیچگاه از اعتصابات و تظاهرات کارگری خالی نبوده و نیست. در تاریخ نوین ایران هیچ طبقه‌ای باندازه طبقه کارگر قربانی نداده است.

رژیم کودتا که در مقابله با کارگران، در درجه اول به جس و زجر و اعدام توسل میجوید در عین حال از تبلیغات گمراه کننده پرده غافل نیست و از آن جمله شعار «سویس» «همفکری کامل بین کارگر و کارفرما در مراحل مختلف مدیریت» را به پیش کشید تا ولی طبقه کارگر آگاه ایران بخوبی میدانند که بین دو طبقه‌ای که در جریان تولید در دو نقطه متقابل قرار دارند، سود یکی در زیان دیگری و آسایش یکی در رنج دیگری است، هیچ گونه همفکری در مدیریت نمیتواند موجود باشد و مدیریت کارگران در کارخانه - حافظ پس از اشتراکی شدن مالکیت وسائل عمده تولید و استقرار حکومت بوده ای امکان پذیر خواهد بود. البته طبقه کارگر با آن عده از سرمایه داران ملی که رشد و عنده تولید مستقل ملی کشور را در مبارزه با امپریالیسم و استعمارند در مرحله معینی گام‌های مشترک بر میدارند. ولی این امر اولاً مربوط به سرمایه داران وابسته به امپریالیسم و تکیه گاه‌های رژیم کودتا نیست و ثانیاً هیچگاه تضاد میان کار و سرمایه را منتفی نمیکردند.

رژیم کودتا باشاعه این فریب همت گماشته است که کارگر - ان هر چه بیشتر - از طریق تعدید روزگار و یا افزایش شدت کار بر میزان تولید بیفزاید بهمان نسبت بر بقیه رصفحه ۲

اخیراً نماینده حزب درباری "مردم" در مجلس استغفار - کتان گفت: "ما آنچنان حزبی نخواهیم بود و نخواهیم که است - حزبی تشکیل شود که کارگران را باعتصاب و ارساز و نمایندگان آنها نیز در مجلس تحریک کرده و وفا براه اندازند" (اطلاعات ۲۳-۲۴-۱۳۵۱)

کامل راست است. در رژیم کودتا هیچیک از ارگان‌ها و مقامات رسمی، حتی حزبی که بمنظور عوام فریبی بنام "اقلیت" قدم بعرصه گذاشته، جرات ندارد از اعتصاب کارگران پشتیبانی کند و یا سخنی بهوادی از زحمتکشان بگوید.

اما طبقه کارگر برای دفاع از حقوق خود، برای رهائی از استعمار و استثمار، برای توسل باعتصاب و هر شیوه دیگر مبارزه از هیچ طبقه ارتجاعی چشم یاری ندارد. جواز عبور طبقه کارگر را تاریخ صادر کرده و نیروی روزافزون طبقه کارگر ضامن اجرای نقش تاریخی اوست. رضاشاه کلمه "کارگر" و "رنجبر" را قلع و علع کرده بود و حاضر نبود از اتحادیه و حزب سخنی بشنود. یکی از نخست وزیران رژیم کودتا صریحاً در مجلس میگفت: "من از کلمه اعتصاب بدم می‌آید" و در یک روز بیش از ۸۰ تن از کارگران اعتصابی کوره پزخانه‌های تهران را بخون کشید. اصولاً کتسر اعتصاب و تظاهرات کارگری است که با سرنیزه و گلوله رضاشاه و پسرش روبرو نشده باشد. معذک تاریخ ایران پس از شروع طیت و بویزه پس از شهریور ۱۳۲۰ و حتی در دوران رژیم کودتا

سیاست خائنانه نفتی و تسلیحاتی

تعدید قرارداد داریسی را در روزگار شاه همه بخاطر دارند. در سال ۱۳۱۱ شرایط جهان و ایران طوری نبود که امپریالیسم انگلستان صریحاً بمطالبه تعدید چنان قرارداد می ننکین برخیزد. امپریالیسم انگلستان که رضاخان را بمطالبه فردی ساده و ضد اشراف و مبین پرست به سردار سپهری و وزارت جنگ و سپس به سلطنت رسانیده بود نمیخواست از اوانگهان به مثابه عامل گوش بفرمان خویش استفاده کند و باین طریق نقشه های دراز مدت استعماری خود را در ایران با شکست مواجه سازد پس به صحنه سازی پرداختند: رضا شاه ظاهراً مفرور و تحقیر - کتان فریاد برآورد که قرارداد داریسی تعدید شدنی نیست و دستو داد که متن آن را از عم بدرند. سخنگویان دولت در "بهت" اعلیحضرت سخن ها گفتند و مطبوعات مزدور - و در مراسم آنها همین روزنامه اطلاعات - در برابر این اقدام "ملی" به تحسین و تجلیل افتادند. غوغای گنج کننده ای برپا شد تا اینکه در آن میان قرارداد داریسی بنام استیفا حقوق ایران تعدید گردید و ماورا آگاهی در شب های چراغانی بر سر در دکان ها و معازنه ها نوشتند: "حق به حقدار میرسد، هشدار!"

اکنون همین صحنه سازی با برخی از تغییرات در کشور مائکرامی شود: سال ۱۹۷۲ زنگ خطر را برای کسرسیوم صدا درآورد و یاد آور شد که بیش از شش سال دیگر به خاتمه قرارداد او با دولت ایران باقی نمانده است، همان قرارداد داریسی که کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بخاطر آن برپا شد و ۱۹ میلیون دلار خرج برداشت، همان قرارداد داریسی که تامین کننده آب حیات برای صنایع دنیای امپریالیستی است. بدیهی است که در جهان امروز که امپریالیسم در حلقه محاصره خلق ها افتاده است، در شرایطی که برخی از دولت های ضد استعماری صریحاً بمقابله با امپریالیسم برخاسته، قرارداد های تحمیلی راهزنانه را از هم دریده و نفت خود را ملی کرده اند تعدید صریح قرارداد کسرسیوم از طرف محمد رضاشاه متضمن خطرات بسیاری میبود. از این جهت بهمان نور آلوده تعدید قرارداد داریسی متوسل شدند، محمد رضاشاه در نطق یاد کرد در سال "انقلابات دوازده گانه" خود سینه سپر کرد که قرارداد کسرسیوم را تعدید نخواهد شد. آنگاه همه سخنگویان و همه مطبوعات مزدور به ثنا گوئی قدرت شاهنشاه آریامهر و عظمت این اقدام ملی پرداختند. شاه به استراحت گاه مورث رفت و در آنجا به تبانی با نمایندگان کسرسیوم ادمه داد، نمایندگان شرکت ملی نفت ایران رهسپار لندن گردیدند و جزئیات نقشه را بروی کفشد آوردند. نتیجه ای که بدست می‌آید همان است که شاه در نطق خود در بهمن ماه گذشته گفته بود: "راه دیگر نیست که... شرکت های عامل نفت بدل به مشتریان طولی مدت ما شوند و ما نفت را برای مدت طولانی به قیمت خوب و تخفیفی که برای یک مشتری خوب میتوان قائل شد بفروش برسانیم و فروش آن را تضمین کنیم."

ظاهراً نیست که قرارداد با کسرسیوم عیناً تعدید نشود و از این بعد خود شرکت ملی نفت ایران مستقیماً عهد در استخراج و تولید نفت خواهد بود ولی واقعیت آنست که بموجب قرارداد جدید، کارشناسان کسرسیوم تماماً بر سر کار باقی می ماند، نفت ایران فقط به شرکت های عضو کسرسیوم فروخته میشود و به میزان روزافزون و بقیه بازار امپریالیستی فروخته میشود، و دولت ایران تضمین میکند کتا آخرین قطره نفت کشور ما را بکام شرکت های مذکور بریزد. در اینجا فقط شکل عوض شده است تا غارتگری انحصارهای ملی نفتی محفوظ بماند. در زانویه اسال بمناسبت مذاکراتی که بین انحصارها نفتی و کشورهای دارنده نفت خاورمیانه در جریان بود کار - شناس نفتی اعراب سخنی گفت که اگر چه متضاد بنظر می‌آید بیان گر واقعیت است. وی گفت که مناسبات بین بقیه رصفحه ۲

ویژگی نهضت اخیر دانشجویان

و در معانان بشمار میرود موجب تلخکامی و خشم رژیم کودتا و هم - چنین روزیونیست های حزب توده ایران است. رژیم کودتا میهراسد از اینکه مبادا از این جرعه ها حریق برخیزد، و روزیونیست های حزب توده ایران میهراسند از اینکه مبادا راه سلامت آمیز آنها بخطر افتد و همه تدارکات سازش آنها با هیئت خاکه ناگهان برپا رود. بسیار جالب توجه است که در عمان ایامی که دانشجویان ایران بر شیوه "سخره" جشن های ده سالگی "انقلابات دوازده گانه" بپا خاسته و در برابر سرنیزه و گلوله سینه سپر کرده بودند را داریسی روزیونیست ها (بیک ایران) آنها را سراسیمه وار به آراش و منانت دعوت میکرد و صریحاً با خطا میداد که هر کس شعار "مرگ بر انقلاب سفید" بدهد در نهضت دانشجویی اخلال کرده است و این نهضت باید در چارچوب مطالبات دانشجویی و "آزادی های دموکراتیک" - تحت نظارت رژیم کودتا - باقی بماند! (گفتار روز سه شنبه ۲۶ دی ماه)

مالگر روزیونیست های حزب توده ایران بقیه رصفحه ۲

مبارزات اخیر دانشجویان ایران از چند لحاظ جای خاصی در نهضت دانشجویی کشور ما دارد: یکی از لحاظ طول مدت مبارزات. با آنکه سازمان امنیت تمام نیروی خود را بکار انداخت تا نظامات دانشجویان را هر چه زود تر خاموش گرداند و از انعکاس آن در ایران و جهان جلوگیری نماید، تظاهرات مذکور که از نیمه دی ماه شروع شد همچنان ادامه یافت و رادیوی تیرانادر ۳ فروردین ماه هنوز از گسترش نهضت سخن میگفت.

خصوصیت دیگر این دوره از مبارزات دانشجویان این بود که به نقطه معینی محدود نمیشد و تقریباً کلیه دانشگاه های ایران را در تهران و آذربایجان و خوزستان و مشهد و غیره در بر میگرفت. عمده ترین ویژگی مبارزات مذکور عمق معنای سیاسی و صراحت شعارهای میهنی و ضد امپریالیستی آن بود. تظاهرات دانشجو - یان با آغاز تدارکات مبتذل و سخره جشن های ده سالگی "انقلابات دوازده گانه" شعله ور گردید و با شعار "مرگ بر انقلاب سفید" گسترش یافت. بیکار بر علیه ترور و اختناق و تبهکاری های سازمان امنیت، بر علیه سیاست خائنانه رژیم کودتا در مسئله نفت و مذاکرات محرمانه شاه با انحصارهای نفتی، بر علیه خرید ۲ میلیارد اسلحه از آمریکا. هدف های اصلی این دوره از مبارزات دانشجویان را تشکیل میداد. برخورد دانشجویان با قوای پلیس بقدری مضمانه و دلیرانه بود که مخبر رونامه لوسوند درگیری های دانشگاه تبریز را "نیرو روزیونیست و دانشجویان" نام نهاد. پلیس فقط پس از قتل چهار دانشجو و دستگیری عده گنجیزی از دانشجویان توانست دانشگاه تبریز را تسخیر کند. در دانشگاه جندی شاپور هم یک دختر دانشجو بقتل رسید.

این مبارزات نشان میداد که عوام فریبی های رژیم کودتا و اصلاحات نواستعماری محمد رضاشاه نتوانسته است خلق ما را گمراه گرداند و شعار "مرگ بر انقلاب سفید" که بمعنای شعار "مرگ بر رژیم محمد رضاشاهی" است بصورت شعار عام درآمد است. نشان میداد که مردم ایران با بیداری و هشیاری تجسین آمیزی مراقب اقدامات رژیم اند و خیانت های متوالی او را که در زیر ده ها پرده فریبنده صورت میگیرد بخوبی بازش شناسند و محکوم میکنند. نشان میداد که دانشجویان ایران در مجموع خود در کنار خلق قرار دارند، در تجربه باین حقیقت پی برده اند که هیچیک از خواست های اساسی دانشجویی آنها در دایره رژیم میهن فروش فعلی قابل تحقق نیست و ایمان بلزوم مبارزات ملی و ضد امپریالیستی در وجود ان اجتماعی آنها جایگزین شده است. اما این پدیده که موجب شادمانی کلیه انقلابیون ایران است و مقدمه پیوند جنبش روشنفکران ایران با نهضت کارگران

دو جهان

"روز اول ماه مفرامیرسد، روزی که کارگران همه کشور ها فراسیدن زندگی آگاهانه خوشتر جشن میگیرند، اتحاد خویش را در مبارزه با هر نوع زورگوئی و دستگیری انسانی برانسان دیگر، در مبارزه بخاطر رهایی میلیون ها زحمتکش از گرسنگی، بیثباتی و ستم دیدگی جشن میگیرند. در این مبارزه مشترک، دو جهان در برابر هم ایستاده است: جهان سرمایه و جهان کار، جهان بهره کشی و بردگی، جهان برادری و برابری."

در یک سو شتی از توانگران تن آسان که کارگاهها و کارخانه ها، افزارهای کار و ماشین ها را در چنگال خویش گرفته اند، میلیون ها هکتار زمین و کوه هائی از پول را بمالکیت خصوصی خود درآوردند، دولت و ارتش را بخد مت خویش گماشته و با سداد ثروت انباشته خویش ساخته اند.

در سوی دیگر میلیون ها تن از محرومان که باید از توانگران التماس کار داشته باشند، با کار خودشان سازنده همه ثروت ها هستند ولی در سراسر عمر بخاطر لقمه های نان رنج میبرند و چنان در جستجوی کار اند که گوئی در تنهای صد ققاند، نیرو و تند رستی خود را در زحمات طاقت فرسا از دست میدهند و در بیغول های دغا و دخنه ها و خرابه های شهرهای بزرگ گرسنگی میکنند.

اکنون این محرومان و زحمتکشان به توانگران و بهره کشان اعلان جنگ داده اند...

دست جلاد از جان میهن پرستان کوتاه!

وضع فرهنگ

در سال ۱۳۵۰ تعداد کتاب های چاپ شده در ایران ۱۴۱۷ است. اگر فرض کنیم که هر کتاب بطور متوسط ۳۰ صفحه باشد (که نیست) جمعا ۴۲۵ هزار و صد صفحه کتاب در سال ۱۳۵۰ منتشر شده است که اگر بین ۳۰ طبع مردم کشور تقسیم کنیم رقی بسیار جزئی بدستی می آید در حالی که همین محاسبه در آسیایان می دهد که هر آسیائی سالانه ۳۲ صفحه کتاب نصیب میبرد.

اطلاعات ۲۸ اسفند ۱۳۵۰

طبق گزارش دبیرگ کمیته ایرانی یونسکو در سال ۱۹۷۰ :
 در امریکا و شوروی در حدود ۸۰۰۰ تا ۸۰۰۰۰ کتاب منتشر شده است.
 در ترکیه ۵۰۰۰
 در ایران ۱۵۰۰
 کیهان ۳ مرداد ۱۳۵۱

سیستم «امنیت جمعی» در آسیا

طبق اطلاع خبرگزاری تاس در روزهای اخیر یک کشتی جنگی ، یک کشتی مین جمع کن و یک زیر دریائی شوروی وارد بندر بمبئی شدند . هدف ناوگان مذکور طبق اطلاع همان خبرگزاری ، " باز دید رسمی دوستانه " است .

خبرگزاریها باین مناسبت خاطر نشان می سازند که نفوذ نظامی شوروی در منطقه اقیانوس هند ، نفوذی که با سابقه بین رویونیستهای شوروی و امپریالیستهای آمریکائی در احراز سرکردگی در این منطقه ارتباط دارد ، در این اواخر بیوسته رو به افزایش است . رویونیستهای شوروی در زیر پرده "قرارداد صلح ، دوستی و همکاری " که با برتیمان هندی منعقد ساخته اند ، بسرعت به ایجاد پایگاههای دریائی در جزایر اندامان و نیکوبار و پیش پایتان دست زده اند . در همین حال آنان در صدد تحصیل پایگاههای نظامی در اندونزی و در جزیره تیمور هستند و از " کک اقتصادی " برای دست اندازی بر جزایر موریس ، زیشل ، سوکوترا و غیره استفاده میکنند . طبق اطلاعات مختلف ، اکنون ۱۵ تا ۲۰ فروند کشتی جنگی شوروی در اقیانوس هند است . در همین حال که نفوذ نظامی شوروی گسترش میابد و دیدارهای کشتی های جنگی اودر منطقه اقیانوس هند مکرر میشود رویونیستهای شوروی سرور در برابره به اصطلاح " امنیت جمعی " آسیا را از سر گرفته اند . چند روز پیش خبرگزاری تاس فریاد کشید که آسیا محتاج ... یک امنیت جمعی است " و مجله " تووستی " مقاله ای تحت این عنوان بجای رسانید : " نیاز مبرم به ایجاد یک سیستم امنیت جمعی در آسیا البته تصادفی نیست که سرور در باره " امنیت " و " صلح " در آسیا با حرکت ناوگان جنگی شوروی و نمایش زور همراه است . سوسیال امپریالیستهای شوروی از طریق توطئه " امنیت آسیا " میخواهند نقشه توسعه طلبانه و تجاوزکارانه خویش را در این بخش از جهان علی گردانند و نقشه مذکور در دایره استرا- تژی گوی خود انقلابی دو قدرت بزرگ (آمریکا شوروی) در احراز سیادت بر جهان و تقسیم آن به مناطق نفوذ نیوز کشیدن " کمر بند آتش " بر گرد جمهوری تودهای چین صورت میگیرد . آنان به شیوه های برگزیده خویش که عبارت از ارعاب و اعمال فشار است توسل میجویند ولی خلق های آسیا در برابر نقشه های توسعه طلبانه آنان بمخالفتی استوار برخاسته اند .

خبرگزاری آلبانی (آنا) - ۱۷ ژانویه ۱۹۷۳

از نظر مطبوعات محمد رضاشاهی

آزادی زن!

" تشکیل اتحاد روسپیان در ترکیه ، اگر از طرف مقامات رسمی ثبت و بان شخصیت حقوقی داده شود تازه ترین اقدام و حادث ترین عمل برای قبول آزادی بیشتر زنان در کشورهای اسلامی است . "

روزنامه " سحر " شماره ۷۶۹

به فرخندگی ... بقیه از صفحه ۱ دستمزدشان افزودند و شد . ولی قانون استثمار سرمایه داری و تجربه کارگران جهان و ایران به این فریب پشت پا میزنند . در تاریخ حیات سرمایه داری ، هیچگاه افزایش دستمزد کارگران و جلوگیری از کاهش دستمزد آنها بدون مبارزه حاصل نشده است . وانگهی هر کارگر آگاهی میداند که در هر واحد از محصول کارخانه ، قسمتی از کارفراتر شده او خوابیده است و هر چه میزان محصول بالا رود استثمار کارگر نیز بالا خواهد رفت و شکاف اجتماعی میان او و کارفرما پهناتر و زور فتر خواهد شد ، اگر چه بر دستمزد او اندکسی اضافه شده باشد .

امروز صنایع ایران بطور عمده در دست امپریالیست ها و سرمایه داران وابسته آنهاست و از اینجهت حتی مبارزات روزانه طبقه کارگر چه بسا که برخورد مستقیم با منافع استعمار در ایران دارد . مبارزات مطالباتی طبقه کارگر (برای افزایش دستمزد ، تقلیل ساعات روز کار ، تامین بیمه های اجتماعی تحصیل مرخصی سالیانه با حقوق ویژه و غیره) میتواند موقتا از وخامت اوضاع زندگی این طبقه بکاهد و در ارتقا سطح آگاهی و تشنگی او تاثیر فراوان دارد . وظیفه کلیه انقلابیون ایران شرکت در این مبارزات و پشتیبانی فعال از آنهاست . ولی گسستن زنجیر های اسارت طبقه کارگر و همه خلق زحمتکش ایران جز با سرنگونی رژیم ضد ملی و دست نشانده امپریالیسم و جز با استقرار حکومت دموکراتیک نوین میسر نیست . ورزیمی را که تا دستان مسلح است و کمترین اثری از آزادی های دموکراتیک برجای نگذاشته و جز با زبان گلوله با خلق سخن نمیگوید جز با زور نمیتوان سرنگون ساخت .

ما بقیه در این طبقه کارگر ایران روز بروز مصمانه تر و جانبا زانه تر در راه مبارزات طبقاتی و ملی گام خواهد گذاشت و انقلاب دموکراتیک نوین را در زیر درفش حزب انقلابی کمونیستی لنینیستی طبقه کارگر بوسیله جبهه واحد کلیه طبقات ملی و ضد استعماری و از طریق جنگ رهایی بخش توده های به پیروزی خواهد رسانید .

در این جشن گرامی ماه مه از مبارزات گذشته طبقه کارگر ایران و جهان و همه خلق های شیفته رهایی الهام بگیریم ! احیاء حزب طبقه کارگر را در عرصه ایران وجهت خود سازیم !

پیوند خود را با طبقه کارگر و همه خلق های جهان و بویژه پرلتراری پیش آهنگ چین و آلبانی تحکیم کنیم ! مبارزه بر علیه امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم و رژیم دست نشانده محمد رضاشاهی را تشدید کنیم ! درفش ظرفرخش آموزش مارکس ، انگلس ، لنین ، استالین و مائوتسه دون را سر بلندتر برافرازم ! فرخنده باد جشن اول ماه مه ! درود پر شور به طبقه کارگر ایران !

صنایع اتومبیل در ایران

همه میدانند که آنچه در زمان هیئت حاکمه ایران " صنایع اتومبیل ایران " نامیده میشود چیزی دیگری جز مونتاژ قطعات وارداتی نیست . اما همین مونتاژ نیز بصورت اسف انگیزی انجام میگردد که روزنامه کیهان در ۲۰ بهمن ۱۳۵۰ شرح داده است . اینک عین نوشته کیهان :

اگر دستگیره اتومبیل های ساخت داخله در روز های اول و فی الواقع بر اثر اولیسن برخورد دست فرو می افتد و یا بدنیال تابش آفتاب ، قسمتهائی از قطعات کم اهمیت تر اتومبیل (بر اثر ذوب شدن چسبها) جدا میشود و یا اثر آسیب بخش قطعات داخل اتومبیل فراموش میگردد و یا پیشتر بر روی اتومبیل ها بر اساس استانداردها تعیین شده و در نتیجه موجب تلفات جبرانناپذیر می گردد ، این نقائص نا هنگامیکه حتی در داخل مملکت مصرف میشود " زبان کلی " بمحاسب صنعت وارد نمیسازد . چرا که تقریبا همه ما در این نوع موارد سهل گیریم و حتی هنگامیکه چشمان نزدیکترین مسافران بر آن میسر نقص شیشه اتومبیل از میان می رود پس از چند روز شیشه وزاری همه چیز را به فراموشی میسپاریم . اما در یک بازار خارجی چنین نیست (ترچه بطور قطع در بازار داخلی نیز نباید چنین باشد) . در بازار خارجی و بهرحال بازارهایی که خریدار کالاهای صنعتی هستند استاندارد های واردات شدت - و اغلب با بر دمی نسبت به تولید کننده و صادر کننده رعایت میشود

سیاست خائنانه ... بقیه از صفحه ۱ این دو طرف هر چه بیشتر تغییر پذیر ثابت ترمیناند . روزنامه " لوموند " نوشت : " شك نیست که واشنگتن با تشویق قرارداد مشارکت بین کمپانی های نفتی و کشورهای تولید کننده خلیج (فارس) بزرگی کرده است زیرا که باین طریق از یک سو به تامین احتیاج خود از حیث مواد نفتی تضمین بخشیده و از سوی دیگر بموجب تگ روابط خویش با تحویل دهندگان نفت و بویژه با عربستان سعودی و ایران که بشنهایی صاحب نسبی از ذخائر نفت جهان غیر کوه نیست اند گردیده است " (۳۱ مارس ۱۹۷۳) .

محمد رضاشاه در گفتارهای خود چنین نشان میدهد که گویا افزایش استخراج نفت یکی از هدف های ملی خلق ایران است و گسرسیمون تاکنون در اجرای آن کوتاهی نمیکرده است . ولی همه میدانند که اول در شرایط استثمار امپریالیستی ، هر چه بیشتر از ایران نفت استخراج شود بهره کسی از کارگران ایران و خارت صنایع ملی ما بهمان نسبت افزایش خواهد یافت . و ثانیا افزایش استخراج نفت یکی از هدف های امپریالیست هاست که آن را بطور غیر مستقیم و از زبان محمد رضاشاه مطرح میسازد بقول نشریه " پترولیوم پرس سرویس " : " بموجب برآورد چیس - مانهاتان بانک مصرف نفت آمریکا در ظرف مدت ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۵ به بیش از دو برابر بالا میرود و به ۱۵ تا ۳۰ میلیون بشکه در روز بالغ میشود . اگر هیچ گونه اقدامی برای افزایش تولید انجام نگیرد میزان واردات (آمریکا) بین ۴ تا ۲۰ طبعین بشکه در روز خواهد بود و پس از سال ۱۹۸۰ واردات بخوبی از رقم ۱۱ میلیون بشکه در روز خواهد گذشت . اشکال دیگر آمریکا اینست که کشورهای تولید کننده نفت اطراف این کشور ، از جمله ونزوئلا ، قادر نخواهند بود که میزان تولید خود را باین احتیاجات افزایش دهند . خاورمیانه که در سال ۱۹۷۰ فقط ۶۰۰ هزار بشکه نفت در روز به آمریکا فرستاده است شاید میسر بشود که صدور نفت خود را در سال ۱۹۸۰ به ده برابر این میزان برساند و بتدریج تا سال ۱۹۸۵ این رقم را افزایش دهد " (تهران اکونومیست ۲۸ بهمن ۱۳۵۱) .

اینک مواضع جدید شاه با انحصارهای نفتی تامین کننده این احتیاج مبرم روز افزون امپریالیست هاست . این مواضع خیانت جدیدی به مصالح ملی و حیاتی ماست .

جالب توجه است که در همین اثنا دولت ایران قرارداد های خرید و دوهزار میلیون دلار اسلحه از امریکا و ۴۰۰ میلیون دلار اسلحه از انگلستان را امضا میکند که مبالغ آنها نقد از محل عواید نفت پرداخت خواهد شد . امضا چنین قراردادها و پرداخت چنین مبالغ افسانه وار ثابت میکند که سیاست نفتی و سیاست تسلیحاتی دولت ایران یکی است . امپریالیست ها همان پولی را نیز که بعنوان بهای نفت بایک دست بایران میبرد از بند بعنوان بهای تسلیحات با دست دیگر میربایند و ضمانت دولت محمد رضا شاه را در برابرنهضت خلق ایران و خلق های دیگر خاورمیانه تجهیز میکنند . سیاست آنها از یک سو مبتنی است بر غارت نفت ایران و خاورمیانه و از سوی دیگر بر سرکوب خلق های این منطقه بدست چاکرانی نظیر محمد رضا شاه .

نفت ایران و بطور کلی ثروت های زیرزمینی ایران استقلال و حاکمیت ایران ، فقط با سرنگونی حکومت محمد رضاشاهی به خلق ما باز خواهد گشت .

ویژگی نهضت ... بقیه از صفحه ۱ را " آتش نشان انقلاب ایران " و عملا مددکار رژیم محمد رضاشاه میدانیم بعلمت این اعمال مشخص آنهاست . کسانی که چنگ انداخته اند و نهضت دانشجویی ایران را بعقب میکشند و این کار را در مورد نهضت عموم خلق ایران نیز انجام میدهند چه نقش دیگری جز دستکاری بنا هیئت حاکمه ایران میتوانند داشته باشند ؟

ما به دانشجویان بمناسبت بیداری و بیدار جوشی و دلیری آنها درود میفرستیم . ما معتقدیم که دانشجویان و بطور کلی همه طبقات و قشرهای ملی و دموکراتیک هرگز نباید از مبارزات صنفی و مطالباتی که وسیله تجمع و تشنگی و ارتقا سطح آگاهی توده هاست غافل گردند ولی شیوع مبارزات سیاسی و قهرآمیز در نزد طبقات و قشرهای مذکور امری نوید بخش و برای تدارک انقلاب ایران ضروری است و مورد تأیید کامل ماست .

افتخار بر دانشجویان شهید !
 ننگ و نفرت بر رژیم خونخوار محمد رضا شاهی !

نهضت مسلحانه در برزیل

نهضت انقلابی در کشورهای آمریکای لاتین دوباره اوج میگیرد و این بار با استفاده از تجارب تلخ گذشته و تحت تأثیر احزاب کمونیست مارکسیست لنینیست در سطح عالیتری از تشکیک قرار دارد و به راه جنگ توده‌های روان است.

برای نمونه میتوان کشور برزیل را یادآور شد. در آوریل ۱۹۶۴ در برزیل با الهام امپریالیسم آمریکا کودتای فاشیستی روی داد و حکومت ترور و وحشت برقرار گردید. ولی توده‌ها و خلق برزیل سر تسلیم فرود نیاوردند و هر سال تظاهرات و اعتصابات کارگران، دهقانان، دانشجویان روستایی و غیره رفت تا آنکه یک سال پیش در منطقه آراگایا (شمال برزیل) قیام مسلح بر پا شد و سرعت گسترش یافت. نیروهای پارتیزانی آراگایا نه فقط از پشتیبانی اهالی منطقه بلکه از هواداری کلیه خلق برزیل برخوردارند زیرا که آنها از آرمانهای همه خلق دفاع میکنند. حکومت کودتاگران فاشیست برزیل که از این نهضت پارتیزانی سخت بهراس افتاده بود در ۱۸ سپتامبر سال گذشته به لشکرکشی دست زد. ده هزار سرباز مجهز به وسائل مختلفی جنگ تحت نظارت ژنرالان آمریکائی و فرماندهی فرمانده کل قوا برزیل بر مواضع پارتیزانی حمله ور شدند ولی برخلاف انتظار با ناکامی روبرو گشتند. ژنرال‌های برزیلی برای اینکه پارتیزانها در محاصره بمانند و بیرون ساختن دهات، تعقیب و زجر روستائیان، بهم ریختن اراضی گشتمند دست زدند و ضلای پادگان بزرگی در منطقه آراگایا بر پا کردند و به جاده کسی در درون جنگلها پرداختند تا آسانتر به مواضع پارتیزانها دسترس داشته باشند. ولی هیچیک از این اقدامات نتوانست نیروهای پارتیزانی را که در میان خلق ریشه دارند درهم شکند همانطور که روزنامه ارگان مرکزی حزب کمونیست برزیل نگاشته است: "عدم رضایت در سراسر کشور توسعه بیابد، خلق برزیل رژیم فاشیستی را که بوسیله مشی از ژنرال‌ها براتحمیل شده است تمیز برود و فریب جنبه سازی انتخابات را نپذیرد. این حقیقتی است که نهضت مسلحانه آراگایا موجب برانگیختن مبارزه بر ضد دیکتاتوری در کلیه زمینه‌ها گردید و شور و شوق توده‌ها را اجلا بخشیده و راه‌های نوینی گشود است."

در برابر چنین شکستی است که ژنرال‌های فاشیست برزیلی - مانند کلیه نیروهای روزهال - بجنایات جدیدی بر علیه انقلابیون و همه خلق مبادرت جستند و از آنجمله در اوایل ماه فوریه چهار تن از رهبران حزب کمونیست و انقلابیون نامدار برزیل را بدست فاشیست‌ها تیکه نام "گردان‌های مرگ" بخود دادند از پای درآوردند. این چهار تن عبارت بودند از: لینکن است ۶۵ ساله، لویس گیل هاردینی ۵۲ ساله، لینکن ژاک از رهبران دانشجویان، کارلوس انیلی از رهبران جوانان. این چهار نفر در موقتی که در او در دست پرستش در حزب کمونیست برزیل به روزهالونیم گراکید نقش مهمی در مبارزه با روزهالونیم و در ساختمان حزب کمونیست برزیل ایفا کرده بودند کشتار آنها بمنظور ضربه زدن به ستاد رهبری نیروی ضد فاشیستی صورت گرفته است. ژنرال‌های فاشیست برزیل کلیه آزادی‌های دمکراتیک را برانداختند و سانسور سخت برقرار ساختند. در برزیل فقط برای "گردان‌های مرگ" آزادی وجود دارد. ولی به موازات تشدید ترور، نهضت‌های توده‌های در شهر و ده و مبارزات مسلحانه در منطقه آراگایا روزهالونیم بیشتر تقویت و تحکیم میشود.

ما فریاد خود را بر علیه جنایات ژنرال‌های فاشیست برزیل و بر علیه کشتار رهبران گرامی حزب کمونیست برزیل بلند میکنیم. مایقین داریم که خلق برزیل در طی نبردهای عظیم خود رهبران دیگری خواهد پرورد و با گسترش نبردهای مسلحاً آراگایا سراسر کشور پهناور برزیل را از دشمنان خلق و دست نشانندگان امپریالیسم پاک خواهد کرد. یاد رهبران شهید حزب کمونیست برزیل در نزد همه انقلابیون و مارکسیست لنینیست‌های جهان گرامی است. پیروز باد حزب کمونیست برزیل!

زندگی سوزان... بقیه از صفحه ۴ بندرعباس رویدادها است! چه بسیار از زنان اسیر این "خانه زن" که از نقاط مختلف ایران بعنوان خدمتگاری خریداری و باین دامگاه تبهکاری کشانده شده اند!

بندرعباس در رنج و مصیبت خود تنها نیست. همه بندر خلیج فارس در کنار بندرعباس راند. نظری به جزیره "قسم" بیندازید که یگانه ساختمان آجریش پاسگاه ژاندارمری است تنها وسیله معاش مردم اینجا ماهیگیری است. سابقاً خود مرد ماهی میگرفتند و بآن امرار معاش میکردند. بعد ادر سایه حکومت کودتا شرکت شیلات جنوب تشکیل شد و حق صید مستقل ماهی را از مردم گرفت. اینک صیاد قسمی مجبور است که تمام روز در برابر مزی که حد اکثر آن به ۱۰ تومان میرسد بحساب شرکت شیلات ماهی بگیرد. باین طریق هرچه شرکت شیلات ثروتمندتر میشود زحمتکشان قسم بینواتر و تهیدست تر میشوند. بیهوده نیست که عده زیادی از آنها بقیبت خطرات جانی از قسم به سواحل جنوب خلیج فارس آواره میگرددند. مردم قسم آب مشروب ندارند و هر سه هزار نفر آنها از آب بارانی رفع عطش میکنند که در گودال آلوده ملو از کرم گرد می آید. معذک تصور کنید که همین آب کرم آلود هم بجای آبهای تشنه زحمتکشان قسم میرسد! نه! همین آب هم مالک دارد که هر حلب آن را به ه ریال بر مردم میفرشند! آب کرم آلود حلی ه ریال! اینست هدیه رژیم کودتا ب هموطنان ماکه هنوز در شرایط ماقبل قرون وسطی بسر میبرند!

آری، آنچه آبادی در بندر خلیج فارس دیده میشود متعلق است به امپریالیست‌ها، به خانواده پهلوی، به مالکان و سرمایه دارانی که کشتی کشتی پول دارند، به امیران غارتگر خلق عرب، و آنچه ویرانی است نصیب زحمتکشان است که تمام هستی کشور ما شمره دسترنج آنها و امثال آنها، متعلق به آنها و برادران آنهاست. امام روزهالونیم سوزان جنوب نیز مانند همه نقاط ایران کینه سوزانی نسبت بر رژیم مردم کش محمد رضا شاه شعله میزند و نوبت میدهد که این حکومت ضد خلقی و اسارت آور و دست نشانده از آتش بیگار مرقه سر خلق ایران نخواهد رست.

"پیوسته چنین است که چون دشمن را بکوی از در آشتی در می آید" * * * "صدمرتبه بر ما غلبه میکنند ولی در مرتبه صد و یکم ما بر آنها غلبه خواهیم کرد" لنین

در محیط زحمت پرور

اخیراً استانی بنام "حدیث میرزا عبد اله خان" در مجله سخن (آذر ۱۳۵۱) انتشار یافته است. از آنجا که این داستان بقله‌هایی از کاسطیس‌ترین مداحان رژیم کودتا نوشته شده کسی نمیتواند آن را زائیده احساسات دشمنانه و ناشی از انتقاد مبالغه آمیز بداند. از این جهت ما قسمتی از آن را که نشان دهنده رفتار مقامات دولتی رژیم کودتا با زیرستان است ذیلاً بگواهی میآوریم "وزیر بود. اما خدای روزیدند هجده روزی بود، خشن وی - ادب و خشکین می نمود، بد زدن بود ضعیف چزان بود. روزی نمیکند شت مگر آنکه در غانشر از فحش و بد حرفی باشد. عضو ضعیف را گیر میآورد آنطور که غنکوت مکی را بدام بکشد. آنگاه ایراد‌هایی در پی شروع میشد. لاینقطع سوان میکرد. عضو ضعیف در مقابلش چون گنجشک در جنگال شاهین دست و پا میزد به این دروآن در میزد. آنوقت لاش میگرد، باتوهین و تحقیر می شکستش، سرافکنده اش میساخت و سپس راهش میکرد. و همه و همه بیدلیل و احياناً بعلت کمی شخصیت خودش بود. وقت عصیانیت منظر کم میشد، فریاد میکرد جنجیال راه می انداخت، پایش راه گف اطای میگوید، عینکش را میشکست، عریده میکرد، چنان میشد که الان شکم رئیس دفتر یا کارمند "متوجه" را پار ه خواهد کرد... گاهی در هفتگی دو بار با وی بودم. معاونی داشت فهمیده و رند و استاد کار... و نفر دیگر هم باین بودند. گاهی پنجی هم داشتیم. این مرد شریف قبل از ورود به جلسه آیت الکرسی میخواند و بخود فوت میکرد، دعای عترب و رطیل می خواند که از گزند مصون باشد. میترسید در لجن فحش و بی حرمتی‌های وزیر بیفتد."

جنایت راهزنان اسرائیل

این ساعت پسران زنی مشرب و شنبه با وریل کماندو های اسرائیلی با استفاده از کشتی و هلیکوپتر بیروت با یسخت لبنان و برارد و کاه پناهندگان فلسطینی در میدان حمله و رشغ غا فلکیرا نه و در لباس غیر نظامی می‌یاد در لباس فدایان فلسطینی به بمب گذاری در خانه‌ها و کشتار بی رحمانه مردم و منجمله عده از رهبران جبهه نجات بخش فلسطین دست زدند. عملیات کماندوهای اسرائیلی طبق مواضع قبلی با دستکامیاسی آمریکا صورت پذیرفت و سفارت آمریکا در بیروت بود که آنان در با زکشت بمواضع خویش یاری داد. چهار تن از رهبران جبهه نجات بخش فلسطین که ناجوانمردانه بقتل رسیدند عبارتند از: یوسف نجاره، کمال عدوان، کمال ناصر، ابولیلی. ما نفرت و خشم بی پایان خلق ایران را نسبت باین جنایت جدید صهیونیسم و امپریالیسم اعلام میداریم و مراتب تسلیم خود را بمناسبت شهیدان بیروت و بیرون و چهار تن از رهبران جبهه نجات بخش فلسطین به خلق فلسطین و همه خلقهای عرب تقدیم میکنیم. ما یقین داریم که این شیوه ناعاقبتی اسرائیل، خلق فلسطین و کلیه خلقهای عرب را در مبارزه آنان علیه صهیونیسم و امپریالیسم و بیخاطرهای صهیونیستی هم تراستوار تر خواهد ساخت. این دستبرد راهزنانه بار دیگر نشان میدهد که برای ریشه کن ساختن تاج و توهین صهیونیستی و امپریالیستی هیچ راه دیگری جز توسل بمقاومت مسلح و جنگ انقلابی موجود نیست.

پیروز باد خلق... بقیه از صفحه ۴ شرکت نمایندگ دارو - دسته لون تول - سیریک ماتاک رای داد. در سال ۱۹۷۱ صلیب سرخ شوروی لوازم ساختمان بیمارستان "دوستی" به این دارو دسته تحویل داد. چندی پیش شرکت بیمه دولتی شوروی، یک شرکت کامیوجی را که بکار حمل و نقل کالاهای امریکائی به کامیوج میرد از بیمه کرد و همه میدانند که کالا - های مذکور جز اسلحه، ساز و برگ، و بمب برای کشتار خلق کامیوج چیز دیگر نیست. روش سوسیال امپریالیست‌های شوروی در کامیوج مظهر همکاری آنها با امپریالیسم امریکاست. اما تجربه ویتنام در برابر همه خلق‌های جهان است. این تجربه بار دیگر ثابت میکند که خلقی که برای آزادی و رهائی خویش آگاهانه بیخاسته و اسلحه بدست برای هرگونه فدکاری و جانبازی آماده شده است مغلوب شدنی نیست. پیروز نهائی با خلق دلیر کامیوج است.

سپهانوک رئیس دولت کامیوج و صدر جبهه اتحاد ملی کامیوج در اظهاریه ۲۷ فوریه از دولت امریکا خواستار شد که: "تمام کارمندان نظامی امریکارا بیدرتنگ از کامیوج بیرون ببرد" تک تک نظامی خود را به اصطلاح جمهوری خمر (کامیوج) بیدرتنگ قطع کند. "از اعزام هواپیماهای امریکا به فضای کامیوج، بیدرتنگ و برای همیشه دست بردارد." سپهانوک بدرتی گفت که: "حل مسئله صلح در کامیوج دشوار نیست. اگر امریکا به قطع مداخله در امور مردم کامیوج رضایت دهد کامیوج بزودی زود صلح سنتی خود را باز خواهد یافت." مطالبات سفکانه رئیس دولت کامیوج مطالبات خلقی کامیوج و همه خلق‌های جهان است. کوتاه‌باد دست تجاوزکار امپریالیسم امریکا از کامیوج! سرنگون باد درود ستاره زرخیز لون تول - سیریک ماتاک! پیروز باد جبهه متحد ملی کامیوج!

عنوان مکاتبات
X GIOVANNA GRONDA
24030 VILLA D' ADDA/ITALY
حساب بانکی
X GIOVANNA GRONDA
CONTO 17549/11
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
MILANO/ITALY

پیروز باد جنگ توده‌های خلق فلسطین

زندگی سوزان زحمتکشان در کناره‌های خلیج فارس

ایستادگی در برابر او ندارد . در مقابل این نمونه غارتگر بندرعباس ، بزندی زحمتکشان آن بندر توجه کنیم . قریب ۱۵ درصد از جمعیت بندرعباس ماهی گیران و صیادان میگو ، جاشوای و ناخدایان هستند . یک جاشوی خیره درازا رنج ۲۴ ساعته (از آن جهت میگوئیم پنج ۲۴ ساعته که اکثریت قریب به اتفاق جاشوایان چون فاقدخانه و کاشانه‌اند بناچار تمام ۲۴ ساعت را در همان لنج بسر میبرند و امکان استراحت واقعی ندارند) روزانه فقط ۳۵ الی ۷۰ ریال دستمزد میگیرند . این دستمزد را با درآمد آن ثروتمند نامبرده مقایسه کنید تا فاصله طبقاتی در بندرعباس را نظر شما مجسم شود . روز چهارشنبه ۹ اسفند حریق بزرگی که مدت ۲ ساعت ادامه داشت چندین موتور لنج را سوخت و خاکسترو تختخواره‌های آنها را بدست امواج سپرد . مقامات دولتی و نیروی دریائی تمام وسائل خود را در راه نجات اسکله بکار بردند و هیچکس در فکر سر نشینان آتش گرفته لنج هان نبود . مقامات دولتی حتی حاضر نشدند نام و آمار جاشوای سوخته را در اختیار مردم بگذارند . یکی از جنبه های زندگی بندرعباس سلطه سازمان امنیت است . در این شهر ، هر شخص تازه واردی تحت نظارت شدید قرار میگیرد و به هر هتل یا مسافرخانه و یا خانهای فرود آید اسم و مشخصات کاملش به پلیس ساواک داده میشود و هر گاه مورد کتربین بدگمانی واقع گردد او را بدون کتربین مراعاتی جلب میکنند و چندی در بازداشت میماند .

شاید شنیده‌اید که روزی اشرف پهلوی در سازمان زنان اظهار داشت که باید در همه نقاط ایران و بویژه در بندر خلیج فارس "خانه زن" و باصطلاح میلغان رژیم ، "خانه آزاد زن" تاسیس شود . اینک نمونه این خانه در بندرعباس تاسیس شده است . این خانه ، فاحشه خانه بزرگ و مجهزی است که بخاطر جلب توریست های ثروتمند و قرون وسطائی امارت نشین های خلیج بوجود آمده است . این خانه ، مرکز جنایات شرم آوری است . این خانه جانسین درمانگاه و مدرسه ای است که رژیم کودتا بخلق ایران و از آن جمله زحمتکشان بقیه در صفحه ۳

میلغان رژیم فریاد میکنند که بندر جنوب رویه آباد انسی است . ولی واقعیت اینست که عراقی که در سواحل و بندر خلیج فارس انجام میگیرد فقط بخاطر خدمت به کسرسیوم نفت ، غارت طلای سیاه ایران ، تجهیزات نظامی بر علیه هموطنان ما و برادران عرب مادر مناطق انقلابی جنوب خلیج فارس است و بندرعباس رسواستال میزند . ولی صرف نظر از فرودگاه نظامی واسنگه جدید بندر و چند خیابان اسفالت شده که در خدمت فرودگاه واسنگه میباشد بندرعباس همان بندر خرابه و خاک خور قدیم است . هنوز قریب ۵۰ درصد از ساکنان بندرعباس در کپر ها و در محیطی فاقد هرگونه بهداشت بسر میبرند . کپر عبارت است از محوطه های دوتیری که با نسی و چوب خشک محصور شده و نه فقط فاقد آب و برق است بلکه اکثر حصیری هم در رکف خاکی خود ندارد . هر روز در نقاط مختلف شهر و بویژه در کاراسنگه قدیم به ازدهای برمیخورید که از خیل بیگاران تشکیل شده است تمام درائی و ثروت بندرعباس در دست دودرزدان ساکسان آن متعزکز گردیده است برای آنکه تفاوت عظیم زندگی توده مردم با این دودرزدان آشکار گردد بدینست که مثال شخصی ذکر کنیم . یکی از متنفذان معروف بندرعباس که از ماموران عالی رتبه سازمان امنیت نیز هست (وبدون آنکه مانای از او ببریم اهالی بندرعباس او را میشناسند) علاوه بر ساختمان های متعدد صاحب شرکتهای است بنام "شرکت دریائی رازکو" ، چندین کشتی و موتور لنج و ده هاما شین سنگین کشاورزی و جاده سازی دارد . بسیاری از رشته های تجارتهای سواحل در دست اوست و عایدی روزانه اش حداقل به ۱۵ هزار تومان میرسد . معدنک باین حد قانع نیست و بوسیله لنج ها و کشتی های خود شکارگر ان مهاجر "غیرقانونی" پاکستانی را به بندر و سواحل جنوب نقل و انتقال میدهد و مبالغ گزافی از این باب از آن زحمت کشان آواره دریافت میدارد . او عامل بزرگ قاچاق وسائل صنعتی ، مشروب و سیگار است . در عین حال از پرداخت مالیات معین شده دولتی که حتی یک صدم مالیات حقیقی در آمد او نیست خود داری میبرد و چون عضو ساواک است کسی یارای

کمک به «صنایع میهنی»

و دستمزد کارگران

در حکومت طبقات غارتگر ، آن بخش از اقتصاد که بخش عمومی نام دارد و بوسیله دولت اداره میشود - مانند بانک های دولتی ، راه آهن ، پست و تلگراف و غیره - همه بطور عمد در خدمت بخش خصوصی یعنی طبقه مالک و سرمایه دار است . برای نمونه میتوان اعتبارات بانکی و وام های دولتی را در ایران مثال آورد : ظاهر آنست که دولت به صنایع نوپا و اصنایعی که در معرض ورشکستگی هستند کمک مالی میسراند ، اعتبار و وام میدهد ولی در واقع دولت هرگز در فکر صنایع ملی و متوسط و کوچک نیست بلکه اعتبارات و وام های خود را وسیله کلاهنگاری غارتگران بزرگ اجتماعی میگرداند . امروز نیز مانند همیشه برخی از سرمایه داران که با مقامات عالییه دولت بند و بست دارند هر چند سال یک بار صحنه سازی برای می اندازند و با دست بردن در دفاتر و انبار کالا های خویش چنین وانمود میکنند که کارخانه آنها ضرر میبرد و باید ماشین های آن را تکمیل و نوکرد ، برای محصولاتش بازار فروش گریز آورد ، برای جریان تولید و توزیع تسهیلاتی قائل شد ، و غیره و غیره . حتی برای مدتی کارخانه را میخوانند و به این طریق با تبهانی دستگاه دولتی موفق میشوند قرضه های چند میلیونی با سود نازل از دولت بگیرند و از مالیاتها و عوارض معینی معاف شوند و از مزایای برخوردار گردند . آنگاه وام دولتی را در محلی پر سود و از آنجمله در صنایع وابسته به امپریالیسم و یا در معاملات احتکاری و غیره غیره بکار می اندازند و از این راه سود فراوان بر میدارند . البته ظاهر آرائی کارخانه قدیم و بکار انداختن مجدد آن مایه زیادی نمیخواهد . دولت نیز بسیاری از اینها را که همشوه ای گرفته و هم "اعطای وام به صنایع میهنی" را در ترازنامه فعالیت خویش وارد کرده است . این شیوه چنانکه گفتیم از سالهای پیش پیوسته رواج داشته و تازه نیست . بویژه عده های از کارخانه داران حق و حسابدان اصفهان بآن متوسل شده و میشوند . آنچه تازگی دارد ارتباط این شیوه با "سهم شدن کارگران در سود ویژه کارخانه" است . کارگران پارچه بافی های اصفهان بطور متوسط روزی ۱۱ تومان مزد دارند . زن و بچه هاز این هم کمتر : بین ۴ تا ۷ تومان . روشن است که این دستمزد حداقل زندگی هم نمیرسد . کارگران مذکور باید اینکه محصولات کارخانه افزایش یابد و سود بالا برود تا بتوانند سهمی از این بابت برسد به استثمار برحمانه تن در میدهند . ولی ناگهان در برابر توطئه کارفرما قرار میگیرند که صحنه سازی خطر ورشکستگی را برپا میکند و باین طریق نه فقط سودی بآنها نمیرد از بلکه دستمزد عادی آنها را هم هفته ها و ماهها بتعویق می اندازد . روزنامه "روز نو" (شماره ۱۶۷) شکایت یکی از کارگران را چنین نقل میکند : "شش ماه پیش در یک کارخانه شروع بکار کردم . با کارفرمایک قرارداد نوشتیم که روزی ده تومان مزد بگیرم . هفته پیش وقتی که دستمزد را دادم دیدم خیلی کم است . فکر کردم اشتباه شده است . اما کارفرما شروع کرد به "کردن کج کردن" ! او گفت : بخدا پول ندارم . من نمی توانم روزی ده تومان بدهم . باید روزی هفت تومان بگیری من هرچه دارم بدهم و بدهم فائده نداشت . این است گوشه ای از واقعیت "کمک به صنایع میهنی" و قانون سهم شدن کارگران در سود کارخانه !"

پیروز باد خلق دلیر کامبوج

استراتژیک کشور از دست داده است و فقط از طریق دریا و رودخانه میتوانند به پایتخت خواربار برسانند ، و آن هم تحت حمایت هوایماهای ب - ۵۲ امریکائی انجام میگیرد . پایتخت (فنوم پن) در دسترس نیروهای مسلح جبهه متحد ملی کامبوج است . در داخل فنوم پن مبارزه طبقات و قشرهای دموکراتیک بر علیه بارودسته لئون نول - سیریک ماناک روز بروز گسترش مییابد و گریز از ارتش پویشالی هر روز بزیج ترمیشود .

معدنک امپریالیسم امریکا هنوز حاضر نیست در برابر واقعیت شکست خود در کامبوج سر فرود آورد و برخلاف تعهدات موافقت نامه های پاریس مورخ ۲۷ ژانویه ۱۹۷۳ همچنان تعداد کثیری از کارمندان نظامی خویش را در کامبوج نگاه داشته است که گویا وظیفه آنها تامین کمک نظامی به جمهوری کامبوج میباشد . امپریالیسم امریکا علاوه بر کمک های گزافی نظامی مشتمل بر انواع اسلحه ، تانک ، هوایماها ، کشتی های جنگی تقریباً هر روز با نیروهای هوائی کم در تایلند متمرکز ساخته به بمباران مواضع نیروهای توده ای کامبوج مشغول است . ولی هیچیک از این تشبیهات نتوانسته است و نمیتواند از پیشرفت پرجوش و خروش این نیروها جلوگیری کند .

در این میان مناسبات سوسیال امپریالیستهای شوروی با کامبوج جالب توجه است . تاکنون دولت اتحاد ملی کامبوج بطور رسمی از طرف جمهوری توده ای چین ، جمهوری توده های آلبانی ، کره ، ویتنام ، رومانی و قریب ۶۰ کشور از کشورهای دیگر برسمیت شناخته شده است . ولی دولت شوروی در شمار این کشورها نیست و روابط حسنه خود را با بارودسته زر - خرید لئون نول - سیریک ماناک حفظ کرده است ، سفارتخانه ای مرکب از پنجاه نفر در دولت پویشالی این بارودسته دارد ، و هنوز مانند سایر امپریالیست ها دولت اتحاد ملی کامبوج را "دولت مهاجر" مینامد . در ۱۷ اکتبر سال گذشته نماینده شوروی در کنفرانس عمومی اونسکو بسود بقیه در صفحه ۳

۳ سال پیش ، در ۱۸ مارس ۱۹۷۰ ، امپریالیسم امریکا کودتای لئون - نول و سیریک ماناک را در کامبوج برپا کرد تا آن کشور را به نیمه مستعمره خود و پایگاه تجاوز بر خلق های جنوب شرقی آسیا و بویژه خلق های ویتنام و لائوس تبدیل گرداند . اما هشیاری و آمادگی و دلیری خلق کامبوج بر این نقشه پشت پا زد . مدخله ای پر وای امپریالیسم امریکا در کامبوج و روی کار آمدن زرخیردانی مانند لئون - نول و سیریک ماناک موجب قیام نیروهای ملی و وحدت آنها در راه حفظ استقلال و طرد امپریالیسم گردید . چند روز پس از کودتا در ۲۳ مارس جبهه متحد ملی کامبوج که مظهر وحدت پیکار جوانان خلق کامبوج بود تشکیل شد و در ۲۰ آوریل ۱۹۷۰ دولت اتحاد ملی کامبوج بوجود آمد و سیهانک که راه مقاومت در برابر امپریالیسم و جانبداری از خلق را برگزیده بود در رأس جبهه و دولت مذکور قرار گرفت . چندی بعد جبهه متحد خلق های هندوچین (ویتنام ، لائوس و کامبوج) ایجاد شد و باین طریق جنگ توده ای بر علیه امپریالیسم تجاوز کار امریکا در سراسر هندوچین گسترش یافت . اینک سه سال از آن تاریخ میگذرد . امپریالیسم امریکا ناچار شده است شکست خود را در ویتنام و لائوس بپذیرد و شکست او در کامبوج ناگزیر عیان است . امروز ، از ۷ میلیون مردم کامبوج ۵/۵ میلیون در شمار طبق آزاد شده کامبوج بسر میبرند و در ۹۰ درصد سرزمین کامبوج پرچم پیروزمند جبهه متحد ملی کامبوج و دولت اتحاد ملی کامبوج در اهتزاز است . ارقام زیرین که فقط متعلق به سال ۱۹۷۲ (از ژانویه تا نوامبر) میباشد نشان میدهد که تناسب قوا تاچه اندازه بسود جبهه متحد ملی کامبوج تغییر یافته است . در این سال ۱۰۳۰۰۰ تن از نیروهای دارودسته لئون - نول کشته و یا از صف نبرد خارج شدند ، ۱۷۳۰۰۰ قبضه سلاح های مختلف از دشمن گرفته شد ، ۱۰۹ هوایمای دشمن تخریب شد ، ۲۰ اردوگاه و پادگان دشمن با خاک برابگردید . ارتش لئون نول نظارت گبیه راههای

از آموزش لنینی

" با ید پیوسته در برابر بروسیع ترین توده های زحمتکش کلید کشورهای و بویژه کشورهای عقب مانده به توضیح و افکار این فریب پرداخت که دولتهای امپریالیستی همواره در حالیکه ظاهراً با ایجاد دولتهائی از لحاظ سیاسی مستقل مشغول اند با ایجاد دولتهائی دست میزنند که از لحاظ اقتصادی ، مالی و نظامی کاملاً بسته بآنها هستند ."

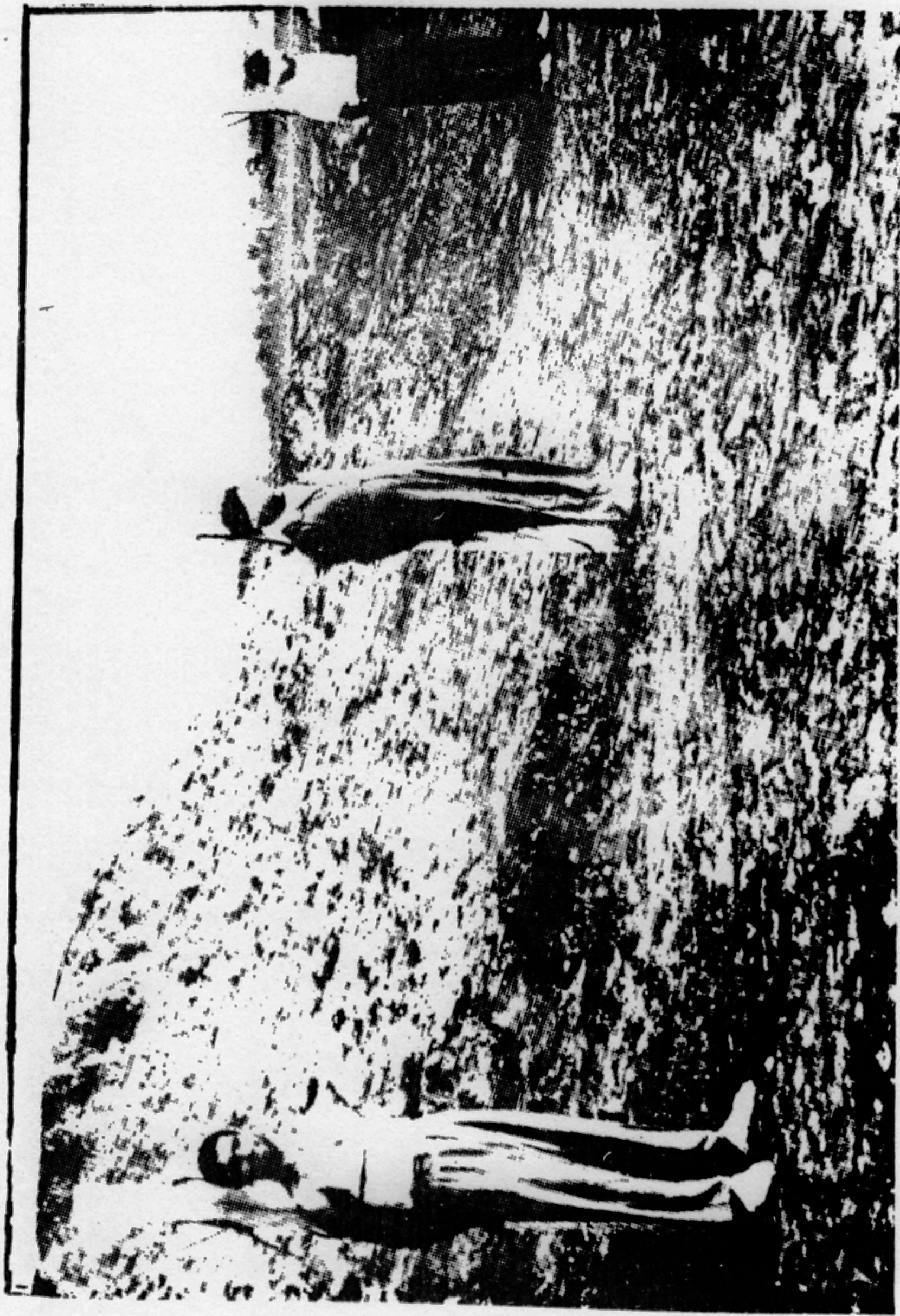
درخشان باد پیروزی های نوین خلق های هندوچین

نودوز ۱۴۵۲

پیکار کنیم

برای فرزند آوردن نودوز خلق ایران

هدیه ۶۵۰ زمان مار پیستی - لنین پیستی توفان



اما فوروز را نمیتوان اعدام کرد